

جلد اول

البقیات

یکصد خاطره از پیرامون
سپاه الغدیر استانی
در دوران دفاع مقدس
جلد اول

به کوشش:
ولی سلطانی گردفرامرزی

سرشناسه	: سلطانی گردفرامری، ولی، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: السابقون: یکصد خاطره از پیشکسوتان سپاه الغدیر استان یزد در دوران دفاع مقدس / به کوشش ولی سلطانی گردفرامری.
موضوع	: یزد: مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج، انتشارات چشم و چراغ، ۱۳۹۹ -
مشخصات ماهری	: ج. ۱: مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۴۱۸-۳: ۱. ج. ۱: ۳۵۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: بیا
موضوع	: ران جنگ -- ایران -- یزد (استان) -- خاطرات
موضوع	: War participants -- Iran -- Yazd (Province) -- Diaries*
موضوع	: ایران و ران، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
موضوع	: Personal narratives -- Iran -- ۱۹۸۸-۱۹۹۰ -- Iraq War
شناسه افزوده	: مرکز حفظ رونشایرهای مقدس و بسیج، انتشارات چشم و چراغ
رده بندی کنگره	: DSR۱۶۲۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۸۳۰۱۸

السابقون (جلد اول)

ولی سلطانی گردفرامری

انتشارات چشم و چراغ

محمد مهدی میرزآبایی

۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۴۱۸-۳

اول، ۱۳۹۹

۱۰۰۰ نسخه

۳۵،۰۰۰ تومان

مصاحبه گر

ناشر

طرح جلد و صفحه آرا

شابک

نوبت چاپ

شمارگان

قیمت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر، محفوظ و در اختیار کانون بازنشتگان سپاه استان یزد می باشد.

مقدمه.....	۱۳
------------	----

بخش اول: خاطراتی با موضوع امدادهای غیبی

و عنایات اهل بیت (ع).....	۱۹
---------------------------	----

۱. حضور حضرت صاحب الزمان (ع) در جمع الغدیریان.....	۱۹
--	----

۲. حضور خبرنگاران خارجی و عنایت حضرت زهرا(س).....	۲۲
---	----

۳. حضرت زهرا(س) راه گشای ما شدند.....	۲۴
---------------------------------------	----

۴. آیه و جعلنا کار خودش را کرد.....	۲۶
-------------------------------------	----

۵. عنایت الهی و بارش رحمت.....	۲۷
--------------------------------	----

۶. طوفان، لشکر خدا بود.....	۲۹
-----------------------------	----

۷. تسلیم شدن نیروهای دشمن.....	۳۰
--------------------------------	----

۸. با عنایت خدا، مین واکسی منفجر نشد.....	۳۱
---	----

۹. هنوز دعا تمام نشده بود که مهمات رسید.....	۳۲
--	----

۱۰. نفت چراغها تمام نمی شد.....	۳۴
---------------------------------	----

۱۱. دشمن کور باطن.....	۳۵
------------------------	----

۱۲. به دست امام رضا(ع) شفا یافتیم.....	۳۶
--	----

بخش دوم: خاطراتی با موضوع ارتباط با ولایت و رهبری ۳۹

- ۱۳. دیدار فرماندهان با حضرت امام خمینی (ره)..... ۳۹
- ۱۴. دیداری، خودمانی با حضرت امام خمینی (ره)..... ۴۰
- ۱۵. عکس دیدار تبدیل به تمیriadگاری شد..... ۴۲
- ۱۶. به جای جبهه به جماران رفتند..... ۴۴

بخش سوم: خاطراتی با موضوع شهدا و ایثارگران ۴۷

- ۱۷. لشکر بی علمدار شد..... ۴۷
- ۱۸. برور شهید، مولوی حسین بُر و شهادت ۳۳ ژاندارم..... ۴۹
- ۱۹. برادره بان..... ۵۰
- ۲۰. دعا- مادر شهید مستجاب شد..... ۵۳
- ۲۱. در میان عمارت هم نافله شیش ترک نشد..... ۵۴
- ۲۲. اولین ماموریت: شهادت دومین فرمانده سپاه یزد..... ۵۵
- ۲۳. ساعتی که مانع شهادت شهید بود..... ۵۷
- ۲۴. مدیریت شهدا..... ۵۹
- ۲۵. می ترسم علاقه به فرزند مانع شهادت بشود..... ۶۰
- ۲۶. روحیه بالای پدر شهید..... ۶۱
- ۲۷. شهیدی که راضی به رضای خدا شد..... ۶۲
- ۲۸. با سماجت زیاد موفق شدم به جبهه بروم..... ۶۴
- ۲۹. هنوز دعای ندبه تمام نشده بود که حاجت را گفتم..... ۶۵
- ۳۰. گفت: بیا، کلید دان بهشت را ببوس..... ۶۶
- ۳۱. در یک ماموریت دو بار مجروح شدم..... ۶۸
- ۳۲. خدا قوت قلبش داده بود..... ۷۰
- ۳۳. شهیدی که عاشق شده بود..... ۷۱
- ۳۴. این دفعه خمپاره ۶۰ م.م کار خودش را خوب انجام داد..... ۷۲
- ۳۵. شهادت مربی عزیز، محمد علی ردائی..... ۷۴
- ۳۶. شهیدی که حکم ماموریت خود را از خدا گرفت..... ۷۶

- ۳۷. سلطان پانسمان..... ۷۸
- ۳۸. خدا دعای شهید را مستجاب کرد..... ۸۰
- ۳۹. این دفعه خدا او را جدا کرد..... ۸۲
- ۴۰. به مولا سلام داد و شهید شد..... ۸۳
- ۴۱. شهیدی که از شهادتش خبر داد..... ۸۵
- ۴۲. شهادت حاج همت..... ۸۶
- ۴۳. او یک ساعت زودتر از من شهید می شود..... ۸۷
- ۴۴. شهدا من را با خود نبردند..... ۸۸
- ۴۵. مع پاتک در جزیره مجنون جنوبی..... ۹۰
- ۴۶. با این سینه ماه به من لبخند زد..... ۹۲
- ۴۷. نمی دانم آب کجاست، از کجاست؟..... ۹۳
- ۴۸. خدا به خیر برداند..... ۹۵
- ۴۹. شب زفاف..... ۹۵
- ۵۰. فکر کردم عراقی‌ها مرا کشته اند..... ۹۶
- ۵۱. شهادت راننده گریدر..... ۹۷

بخش چهارم: خاطراتی با موضوع هدایت و فرماندهی در نبرد... ۹۹

- ۵۲. سیلی حکیمانه..... ۹۹
- ۵۳. خلوص و متانت حاجی..... ۱۰۱
- ۵۴. یقین پیدا کردم که خدا صدایم را شنید..... ۱۰۳
- ۵۵. شجاعت بسیجی ۱۳ ساله..... ۱۰۵
- ۵۶. نبردی در ماووت عراق..... ۱۰۶
- ۵۷. تامین مهمات و آذوقه از سنگر نیروهای عراقی..... ۱۰۷
- ۵۸. قبول واقعیت، و تدبیر لازم..... ۱۰۹
- ۵۹. آتش خودش خاموش می شه..... ۱۱۰
- ۶۰. حفظ پاسگاه با دسته دو نفره..... ۱۱۱
- ۶۱. نجات یک بسیجی از دست دشمن..... ۱۱۲

- ❖ ۶۲. با شنیدن تکبیر، عراقی‌ها با به فرار گذاشتند..... ۱۱۳
- ❖ ۶۳. دفع پاتک در تنگه چزابه..... ۱۱۴
- ❖ ۶۴. قایق مخصوص فرماندهی..... ۱۱۷
- ❖ ۶۵. عملیات نفوذی..... ۱۱۷

❖ بخش پنجم: خاطراتی با موضوع اسارت و اردوگاه‌های عراق... ۱۲۱

- ❖ ۶۶. نحوه به اسارت درآمدن..... ۱۲۱
- ❖ ۶۷. چون مجروح شدم نتوانستم فرار کنم و اسیر شدم..... ۱۲۳
- ❖ ۶۸. شنیدن خبر رحلت حضرت امام (ره) در اردوگاه..... ۱۲۶
- ❖ ۶۹. ما برای کریم شیرهای..... ۱۲۷
- ❖ ۷۰. نهیه تسبیح... هدیه به مادر نگهبان عراقی..... ۱۲۸
- ❖ ۷۱. مسائل دینی..... ۱۳۰

❖ بخش ششم: خاطراتی با موضوع آموزش..... ۱۳۳

- ❖ ۷۲. یک پند از علامه شبانه‌شبی (ره)..... ۱۳۳
- ❖ ۷۳. چون یزدی هستی، با امید ندی کنم..... ۱۳۶
- ❖ ۷۴. یک درس بزرگ..... ۱۳۷
- ❖ ۷۵. برگزاری دوره تداوم آموزش..... ۱۴۳

❖ بخش هفتم: خاطراتی با موضوع حفاظت اطلاعات..... ۱۴۵

- ❖ ۷۶. یک درس نظامی و حفاظتی از حاج قاسم..... ۱۴۵
- ❖ ۷۷. صدا زدن نیروهای دشمن با نام خودشان..... ۱۴۰
- ❖ ۷۸. انتقال نیرو به خط..... ۱۴۷
- ❖ ۷۹. رعایت اصول حفاظتی..... ۱۵۰

❖ بخش هشتم: خاطراتی با موضوع گشت رزمی و شناسایی... ۱۵۱

- ❖ ۸۰. گشت شناسایی در طلائیه..... ۱۵۱
- ❖ ۸۱. معبری که باز نشد..... ۱۵۳

- ۸۲. شناسایی در منطقه دشمن..... ۱۵۶
- ۸۳. گشت رزمی در سراوان..... ۱۵۸
- ۸۴. رزمنده اسیر، شهید و مفقودالامر..... ۱۵۹

بخش نهم: خاطراتی با موضوع اعتقادی و فرهنگی..... ۱۶۱

- ۸۵. خود سازی و از خود گذشتگی..... ۱۶۱
- ۸۶. رعایت حق الناس..... ۱۶۳
- ۸۷. پا روی نفس خود گذاشت..... ۱۶۴
- ۸۸. بر خدا تکیه می‌کند، شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد..... ۱۶۵
- ۸۹. شکست در راه، اسم دعای کمیل..... ۱۶۶
- ۹۰. تا لایق شوی، شهید هم نمی‌شوی..... ۱۶۷

بخش دهم: خاطراتی با موضوع طنز..... ۱۶۹

- ۹۱. مگر ما آدم نیستیم؟..... ۱۶۹
- ۹۲. لشکر شکست خورده..... ۱۷۰
- ۹۳. من با رفیق دوست، خیلی رفیق..... ۱۷۱
- ۹۴. ماجرای کنده شدن پای یک رزمنده..... ۱۷۲
- ۹۵. حضرت آیت الله به جای من نگهبانی داد..... ۱۷۳
- ۹۶. فکر کردم مجروح شده‌ام..... ۱۷۴
- ۹۷. چریکهای خمینی^(۵)..... ۱۷۶
- ۹۸. شهیدی که زنده شد..... ۱۷۷
- ۹۹. خواستم ثواب کنم، کباب شد..... ۱۱۱
- ۱۰۰. گروهان آرپی جی زن..... ۱۷۰

تصویر راویان محترم..... ۱۸۱

● مقدمه

همانگونه که پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران از تحولات شگرف و بی نظیر تاریخ این کشور می باشد، جنب تحمیلی و درران هشت ساله دفاع مقدس نیز، از پدیده های استثنائی به وجود آمده توسط ملت بیدار ایران و رهبری خردمندانه علمای اسلام می باشد که ریشه در اسلام ناب محمدی (ص) دارد.

در هیچ مقطع از تاریخ چند هزار ساله ایران، به انداز دوران دفاع مقدس، ارزش های مذهبی و ملی ما متبلور نگردید، دوره ای درخشان که از نظام دفاع انقلاب اسلامی محسوب شده و جلوه گر اقتدار، صبر، مقاومت، ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در برابر متجاوزان تاندان مسلح این مرز و بوم می باشد.

تمایز دوران دفاع مقدس با دیگر جنگ های تاریخ معاصر ایران در این است که دشمن در دستیابی به اهداف خود ناکام ماند، و سرانجام علی رغم حمایت اربابانش، سرفکنده و مجبور به اعتراف بر تجاوزگری گردید و با صحنه گذاشتن سازمان ملل، چهره استکبار جهانی و ایادی او بر ملا گردید.